

دزفول: ۲۴ مهر ۱۳۵۷

● غلامرضا درکتانیا

اشاره

پرداختن به زوایای مختلف انقلاب اسلامی که از جای جای کشور شکل گرفت، به منظور انتقال صحیح و درست به نسل‌های آینده امری ضروری است و این مسئولیت سنگین بر دوش محققان و پژوهشگران است. حضرت امام خمینی در قسمتی از پیام مورخه ۵ مرداد ۱۳۵۷ خود به ملت ایران می‌فرماید: «لازم است برای بیداری نسل‌های آینده و جلوگیری از غلط‌نویسی مغرضان، نویسندگان متعهد با دقت تمام به بررسی دقیق تاریخ این نهضت اسلامی بپردازند و قیام‌ها و تظاهرات مسلمین ایران را در شهرستانهای مختلف با تاریخ و انگیزه آن ثبت نمایند تا مطالب اسلامی و نهضت روحانیت سرمشق جوامع و نسل‌های آینده شود [چرا که] امروز قلم‌های مسموم درصدد تحریف واقعیت‌ها هستند.»

حوادث پی‌در پی و تظاهرات مردم مسلمان و ناراضی بر ضد رژیم خودکامه و دست‌نشانده اجانب روز به روز فزونی می‌یافت و از شهرهای بزرگ به شهرهای کوچک سرایت کرده و مردم در اکثر شهرها به صف انقلابیون می‌پیوستند.

با نزدیک شدن چهلم واقعه ۱۷ شهریور تهران، نارضایتی مردم از رژیم بیشتر شده و حس پیوستگی عمومی، مردم نقاط مختلف کشور را به هم نزدیکتر می‌کرد؛ به طوری که در روز ۲۴ مهر در چند شهر دزفول، کرمان، زنجان، میناب و اندیمشک به شهادت رسیدند.

شهر دزفول از زمان رضاخان در مبارزه علیه سیاست‌های دین‌زدایی خاندان پهلوی، نقش موثری در جنوب کشور ایفا نمود. حضور مردم در صحنه‌های سیاسی بعد از قیام ۱۵ خرداد ۴۲ آغاز شد و با حرکت گروه «جبهه اسلامی دفاع» - گروه مبارزی که در سال ۱۳۵۰ به فرمان حضرت امام (ره) مبنی بر تحریم جشنهای شاهنشاهی به پا خاسته و مبارزه خود را با رژیم به صورت

علنی آغاز کرد - ادامه یافت و در سال ۱۳۵۷ به اوج خود رسید. در روند این مبارزات، واقعه ۲۴ مهر ۱۳۵۷ نقطه عطفی در تاریخ انقلاب اسلامی در دزفول به شمار می‌رود. در این مقاله تلاش شده به این واقعه مهم پرداخته شود.

در فاصله بین ۱۷ شهریور تا ۲۴ مهر را به عنوان روز بزرگداشت شهدای واقعه ۱۷ شهریور اعلام کردند. مردم دزفول نیز برای همدردی با مردم تهران به مناسبت بزرگداشت شهدای میدان ژاله در مسجد بازار دزفول اجتماع کرده و برای برپایی تظاهرات آماده بودند. مسجد مملو از جمعیت شد، پلیس با آرایش خاصی در مقابل مردم صف کشید و در حالی که اجتماع‌کنندگان برای حرکت آماده بودند، ناگهان شروع به پرتاب گاز اشک آور نموده و با مردم درگیر شد.^۲ حمید خاکسار از فعالان انقلاب در دزفول در این مورد می‌گوید:

ما از روز قبل برای برگزاری مراسم برنامه‌ریزیهای لازم را انجام داده و آماده شده بودیم که تظاهرات عظیمی برپا کنیم. شهید عبدالکریم راجی در این مراسم بلندگودار^۳ بود. در این برنامه آقایان عبدالکریم راجی، محمدعلی مؤمن، حمید جهانی^۴ و شاه‌حیدر امور عملیاتی را به عهده داشتند. شروع تظاهرات بنا به دلایلی با تأخیر صورت گرفت و همین تأخیر سبب شد که نیروهای شهربانی مطلع شده و در محل حضور پیدا کنند. مأموران رژیم با تعداد زیاد و آمادگی لازم برای مقابله با تظاهرکنندگان^۵؛ شروع به بستن راه و پرتاب گاز اشک‌آور نمودند. با این اقدام تظاهرات از حالت سازمان یافته خارج شد و تبدیل به یک حرکت مردمی خودجوش گردید.^۶

مجید کاظم خبازی از فعالان انقلاب در دزفول می‌گوید:

در این روز ما به عنوان تظاهرات در مسجد بازار اجتماع کرده، وقتی خواستیم برای راهپیمایی در خیابان حرکت کنیم، ناگهان کادر شهربانی به مردم حمله کرد و یکی از مأموران گاز اشک‌آور پرتاب نمود به طوری که چند نفر زن و مرد و کودک خردسال در حال خفه شدن بودند و پیرمردی به نام علی عابد (همایون‌پور)^۷ در اثر خفگی گاز اشک‌آور به شهادت رسید. سپس مأموران به بلندگوها و عکس‌های حضرت امام و شهدا حمله کرده و آنها را شکسته و پاره کردند. اما مردم به تظاهرات ادامه داده به سوی خیابان سی متری [دکتر شریعتی] حرکت کردند. در آنجا در درگیری رحیم بوستانی مورد اصابت گلوله مأموران رژیم قرار گرفت و به شهادت رسید و مردم خشمگین از اقدام مأمورین رژیم، جنازه این شهید بزرگوار را برداشته به منزله اعتراض به ایادی رژیم و نشان دادن مظلومیت مردم بی‌دفاع در مقابل رژیم تا بن دندان مسلح در کلیه خیابان‌های اصلی شهر گردانده و سند جنایت شاه را به همه نشان دادند.^۸ سپس به جلو اداره ساواک رفته در آنجا به ماشین‌های ساواک حمله کردند.

در این موقع از پشت بام زندان، شلیک پاسبان‌ها شروع شد که رحیم مجدیان کارمند اداره ثبت احوال و خانم صغری عصارین شهید و دو نفر نیز مجروح شدند. سپس تظاهرکنندگان به طرف منزل شهید بوستانی حرکت کردند. در آنجا نیز مأمورین شهربانی به طرف مردم شلیک کرده و ما ناگزیر تابوت شهید بوستانی را داخل یکی از منازل گذاشتیم و به تظاهرات ادامه دادیم. مأموران دوباره به طرف تظاهرکنندگان شلیک کردند که سید محمود موسوی از معلمان فعال و انقلابی زخمی شد و چند روز بعد از این واقعه به شهادت رسید.

تظاهرکنندگان که اغلب جوانان ۱۴ تا ۲۰ ساله بودند از ساعت ۹ صبح تا ۳ بعد از ظهر روز ۲۴ مهر در خیابان‌های سیروس [طالقانی]، پهلوی [امام خمینی] و سی متری [شریعتی] حرکت کرده و شیشه‌های ۲۸ شعبه بانک و دیگر تأسیسات دولتی از جمله ساختمان شعبه مرکزی بانک صادرات را شکسته و به آتش کشیدند. مردم خشمگین همچنین در این روز منزل دکتر عباسی پزشک ساواک را سنگباران کردند. به پاس ارج نهادن به مقام شامخ شهدای این واقعه در دزفول سه روز عزای عمومی اعلام شد.^{۱۰}

خبر حمله وحشیانه نیروهای رژیم به مردم بی دفاع که منجر به شهادت چند نفر در دزفول و اندیمشک گردید، از تلویزیون ایران پخش شد و انعکاس ملی پیدا کرد تا جایی که حتی کریم آصف نماینده مردم دزفول در مجلس شورای ملی، نخست‌وزیر را مورد بازخواست قرار داد.

از نامه نماینده مردم دزفول به ریاست مجلس شورای ملی و اعتراض به دولت و برخی وزرا در خصوص حوادث و وقایع روز ۲۴ مهر، وضعیت نابسامان و هرج و مرج در مدیریت کلان کشور و ارکان اصلی آن، از جمله عدم هماهنگی بین قوای مجریه و مقننه مشخص می‌شود (نمایندگان مجلس شورای ملی در وقایع مربوط به کشتار مردم توسط رژیم به جهت مردمی نشان دادن خود، ناگزیر بودند از دولت انتقاد کنند). در این نامه کریم آصف نماینده دزفول از فساد درون دستگاه‌های دولتی که عامل تحریک مردم علیه رژیم بود، پرده برداشته و گوشه‌هایی از این فساد را بیان کرده است. از جمله به اقدام منصور روحانی وزیر کشاورزی دولت هویدا برای یک هدف خاص سیاسی و مادی اشاره کرده و می‌گوید: «خوش خدمتی این وزیر واگذاری ۸۰/۰۰۰ هکتار از حاصلخیزترین اراضی ایران به بیگانگان با تزویر و حقه‌بازی بود». این اراضی شامل زمین‌های زیر سد دز و اراضی آبی و دیم کشاورزان شهرستان دزفول بود که وی با زور و قلدری و تهدید و ارباب و با سپردن مبلغی کمتر از یک صدم قیمت به صندوق ثبت، آن زمین‌ها را تصرف و به چند شرکت خارجی واگذار نمود و در نتیجه این اقدام خائنانه ۶۵ روستا تخریب و جمعیتی در حدود ۶۵ هزار نفر آواره شده و ۷ میلیارد تومان به کشاورزان دزفول خسارت وارد گردید.^{۱۱}

همچنین در این نامه به اقدام نادرست و ضداسلامی شهردار دزفول در دایر نمودن کلاس

موسیقی و آوازخوانی در مقابل مسجد قلعه اشاره شده و آمده که هر روز هنگام اقامه نماز جماعت به منظور توهین به روحانیت و مقدسات مردم، صدای ساز و آواز از آنجا بلند می‌شد.^{۱۲} پاسخ نامه نمایندگان دزفول و اندیمشک هم جای بسی تأمل و تعمق دارد. این گزارش که توسط شهربانی تهیه شده، نشان‌دهنده شدت خشم و نفرت مردم دزفول از رژیم پهلوی است.^{۱۳} منوچهر آزمون وزیر مشاور در امور اجرایی، بعد از حادثه ۵۷/۷/۲۴ در شهرهای دزفول، اندیمشک، کرمان و زنجان گفت:

عده‌ای از مردم با گلوله‌های مأموران حکومتی به خاک و خون کشیده شدند، برای دولت آشتی ملی هر خونی که ریخته شده به مثابه یک عزا خواهد بود. آنچه که مردم بگویند و مردم بخواهند، دولت در مقابلش قرار نمی‌گیرد.

این دروغ بزرگ، درست در زمانی بیان می‌شد که پایه‌های «دولت آشتی ملی»^{۱۴} به لرزه درآمده بود تا جایی که پیش از فروپاشی جای خود را به یک دولت نظامی داد.^{۱۵}

روز بعد از این تظاهرات دوباره مردم به خیابان‌ها آمده و شعارهایی علیه رژیم پهلوی سر دادند و با فرستادن صلوات و زدن بر سر خود به عنوان عزاداری مبادرت به آتش زدن لاستیک در خیابان‌های اصلی شهر نمودند.^{۱۶}

گزارش ساواک تظاهرکنندگان را ۱۰ هزار نفر^{۱۷} اعلام کرد که با اخطار فرمانده دسته نظامی تیپ ۲ زرهی دزفول به گروه‌های مختلف تقسیم شده، به آتش زدن لاستیک در شهر پرداختند. در همان شب دوباره مردم در مسجد چینی‌سازان اجتماع کرده و به صورت دسته‌های ۱۰۰ و ۲۰۰ نفری از مسجد خارج شدند، سپس در خیابان‌های شهر تظاهرات کرده و علیه مقامات رژیم شعار سر دادند.

در ادامه این حرکت‌ها تظاهرات دیگری در سومین روز فاجعه ۲۴ مهر از ساعت ۶:۳۰ صبح روز ۵۷/۷/۲۶ آغاز شد. در آن روز از بلندگوهای اکثر مساجد شهر قرآن پخش می‌شد و مردم در دستجات ۵۰ الی ۱۰۰ نفری در مقابل مساجد اجتماع کرده و علیه شاه شعار می‌دادند. شعارهای زیادی نیز در سطح معابر و دیوارهای شهر مبنی بر محکوم کردن جنایات رژیم نوشته شده و کلیه مغازه‌های شهر در این روز تعطیل بود.^{۱۸}

از ساعت ۶ بعد از ظهر روز ۵۷/۷/۲۶ مجالس ختمی به مناسبت سومین روز شهدای فاجعه ۲۴ مهر دزفول، در برخی از مساجد شهر برگزار گردید. هم‌زمان با آن، جلسه فوق‌العاده شورای تأمین شهرستان دزفول جهت بررسی تقاضای اعلام وضعیت قرمز تشکیل شد. در ساعت ۹ شب حجت‌الاسلام سیدمصطفی فارغ^{۱۹} در مسجد جامع به منبر رفته و اظهار داشت:

افرادی که جهاد می‌کنند و در راه مبارزه با ظلم کشته می‌شوند، همانند شهدای اُحد می‌باشند.

شما هم از کشته شدن و زندان یا تبعید نترسید، این وظیفه هر مسلمانی است که هر وقت دین تهدید شود، باید قیام کند.

پس از سخنان وی حدود ۵۰۰۰ نفر از مسجد جامع حرکت کرده و بدون توجه به شلیک هوایی مأموران در خیابان به تظاهرات پرداختند.^{۲۰}

دو روز بعد از فاجعه مسجد جامع کرمان و جریان کشتار مردم در دزفول، عده‌ای از روحانیون کرمانی مقیم قم اعلامیه‌ای منتشر کرده و در آن علاوه بر محکوم کردن فاجعه مسجد جامع کرمان، به حمله دژخیمان رژیم به مردم بی‌دفاع و راهپیمایان در شهر دزفول نیز اشاره کرده و نوشته‌اند:

در روز ۲۴ مهر در شهرهای دیگر ایران مانند دزفول، زنجان و میناب، ده‌ها تن را به جرم آزادی خواهی به رگبار مسلسل بستند. آری این است معنی آزادی و دموکراسی، این است معنی آشتی ملی و ترویج شعائر مذهبی، این است همان شعائر اسلامی که شاه می‌خواهد آن را ترویج کند. ولی شاه و دار و دسته‌اش بدانند که ملت ایران دیگر بیدار شده است و این نقشه‌ها در میان مردم هیچ‌گونه اثری جز برانگیختن هر چه بیشتر نفرت و انزجار نسبت به شاه را ندارد.

در روز ۲۷ مهر نیز از طرف آیت‌الله صدوقی اطلاعیه‌ای درباره حوادث کرمان و دزفول منتشر شد که در آن به جنایات مأموران رژیم در مقابل مردم بی‌دفاع دزفول و به گلوله بستن آنها در روز ۲۴ مهر اشاره شده و آمده: «این کشتارها، جنایت‌ها و وحشی‌گریها برای ادامه حکومت فردی است که در بین مردم جایی ندارد. ملت مبارز مسلمان تحت رهبری روحانیت تصمیم خود را گرفته و تا رسیدن به هدف نهایی از پای نخواهد نشست.»^{۲۲} همچنین انجمن شهر دزفول نیز فاجعه روز دوشنبه ۲۴ مهر را محکوم کرد.^{۲۳}

بعد از اعلام عزای عمومی توسط روحانیون شهر دزفول، کلیه خیابان‌های شهر با پارچه سیاه پوش شده و از بلندگوهای مساجد صدای تلاوت آیات کلام‌الله مجید به گوش می‌رسید.^{۲۴} حجت‌الاسلام علی‌اکبر رضوانی (از علمای حوزه علمیه قم) که در مراسم سوم شهدای ۲۴ مهر دزفول در قبرستان معصوم‌آباد [شهید آباد] شرکت داشته و سخنرانی کرده بود، در خاطرات خود می‌گوید:

در خلال مدتی که در خوزستان به صورت سری و علنی بحث‌ها و سخنرانی‌هایی داشتم، چند نوبت هم به دزفول رفتم که در بین شهرهای خوزستان از لحاظ انقلابی بودن و برخورداری از شور و حرکت انقلابی، پرشورتر و پرحرکت‌تر بود و مردم در برخورد با نظام شاه به شدت عمل می‌کردند. با این که در دزفول حکومت نظامی اعلام نشده بود، اما بیشتر از اهواز که حکومت نظامی بود تانک‌ها و زره‌پوش‌های رژیم مستقر بودند. در دزفول که نیروهای انقلابی، زندان‌رفته‌ها و افراد متعهد زیادی داشت، بیشتر از جاهای دیگر فعالیت‌های انقلابی شکل

گرفت. جوانان مبارز در سرداب‌های عمیق دزفول جلسات متعددی تشکیل داده و اقدامات

بسیار سودمندی در جهت رشد انقلاب انجام می‌دادند.^{۲۰}

روز ۲۷ مهر به مناسبت سومین روز شهدای فاجعه ۲۴ مهر، مراسم گسترده‌ای با شرکت افشار مختلف مردم انقلابی دزفول در شهیدآباد برگزار شد. در این مراسم که حدود ۳۰ هزار نفر شرکت داشتند، حجت‌الاسلام علی‌اکبر رضوانی^{۲۱} علیه شاه و مقامات مملکت سخنرانی کرده و ساواک را محکوم نمود و گفت واقعه شهر کرمان به دست ساواک صورت گرفته و در ادامه سخنرانی خود به جهت شدت نفرت از شاه بیان می‌کند که هر کس در نام و شهرتش کلمه شاه باشد، باید آن را تغییر دهد. سپس در مورد عدم حضور برخی از روحانیون دزفول در صحنه‌های انقلاب صحبت و آنها را نکوهش کرد که به صف انقلابیون پیوندند. بعد از اتمام این سخنرانی که به مدت یک ساعت به طول انجامید سخنران عبا و عمامه خود را درآورده، کت و شلوار پوشیده و به میان جمعیت رفت که شناسایی نشود.^{۲۲}

برگزارکنندگان این مراسم در حرکت جالب و شجاعانه‌ای بلندگوها را به طرف پادگان قرار داده، این شعارها را سر دادند:

ارتش تو انتخاب کن یا جبهه حسین را یا جبهه یزید را
ارتش تو بی‌گناهی اسیر دست شاهی
شهیدان بدانید تا انتقام نگیریم آرام نمی‌نشینیم

۱۸۸

با توجه به فاصله کم بین شهیدآباد و پادگان دزفول - عرض رودخانه دز - این شعارها تأثیر زیادی در روحیه درجه‌داران و به خصوص سربازان تیپ ۲ زرهی داشت. بعد از اتمام مراسم مردم در حالی که شعار می‌دادند، از شهیدآباد به طرف شهر حرکت کردند و در مرکز شهر متفرق شدند. در ساعت ۹ همان شب نیز مراسم «شام غریبان» در مسجد آقاجیب برگزار شد که تا ساعت ۱۱ شب ادامه داشت.^{۲۳} بعد از یک هفته از جریان ۲۴ مهر، بامداد روز دوم آبان‌ماه، سید محمود موسوی^{۲۴} - از معلمان فعال و انقلابی - که در تظاهرات ۲۴ مهر توسط مأموران رژیم با گلوله اسلحه ژ-۳ زخمی شده بود، به فیض شهادت نائل گردید.

متعاقب این جریان، صبح همان روز، حدود ۴۰۰۰ نفر از مردم در مقابل بیمارستان افشار اجتماع و جنازه شهید را به سمت شهیدآباد تشییع کرده و به خاک سپردند. نکته جالب توجه در این تشییع جنازه حضور حدود ۳۰ هزار نفر از مردم انقلابی دزفول بود.^{۲۵}

در مراسم تشییع جنازه این شهید بزرگوار، استوار علی‌اصغر فرخ‌شاهی^{۲۶} (کادر ژاندارمری دزفول) از تجمع مردم در اطراف پیکر شهید جلوگیری کرده و به طرف مردم تیراندازی کرد تا جایی که پیکر شهید از دست مردم به زمین افتاد. پدر شهید به استوار فرخ‌شاهی و افراد مسلح

ژاندارمری که همراه وی بودند گفت: «این شهید پسر من است که به دست شما کشته شده، چرا اجازه نمی‌دهید او را به خاک بسپاریم.» استوار در پاسخ به وی گفت که از کجا بدانیم که دروغ نمی‌گویی؛ شاید این نقشه‌ای باشد که مردم را تحریک کنید.^{۳۲}

حمید خاکسار در مورد این واقعه می‌گوید:

وقتی که مردم خواستند از محل بیمارستان افشار پیکر شهید موسوی را به شهیدآباد تشییع کنند، خودرو دوج ژاندارمری جلوی مردم را گرفت و اجازه نداد حرکت کنند. بعد از مذاکره مفصل با وی بالاخره پذیرفت پیکر شهید را تشییع کنیم به شرط این که شعار علیه شاه ندهیم. ما در آن لحظه ناگزیر بودیم به خاطر این که مردم به حرکت درآیند بپذیریم، اما پس از حرکت، شعار مرگ بر شاه را سر دادیم که ناگهان استوار فرخ‌شاهی شروع به تیراندازی هوایی کرد. بعد از این اتفاق که سر پیچ شهیدآباد رخ داد، مردم از ترس متفرق شدند و پیکر شهید از روی دوش مشایعت‌کنندگان به زمین افتاد. این عمل دو مرتبه تکرار شد. زمانی که من با استوار در حال مذاکره بودم ناگهان متوجه یکی از سربازها شدم که گارد تیراندازی گرفته بود. بعد از این اتفاق نزد وی رفتم و پرسیدم که چرا این جور آماده برای شلیک ایستاده بودی؟ او در پاسخ گفت وقتی که شما با استوار در حال مذاکره بودید، تصمیم گرفتم اگر وی به شما شلیک کرده، من هم او را بزنم.^{۳۳}

۱۸۹

در روز چهارم آبان دزفول شاهد تظاهرات ۲۰ هزار نفری مردمی بود که به مناسبت سومین روز شهادت سیدمحمود موسوی (آموزگار جوان دزفولی) صورت گرفت. مردم در این تظاهرات یکی از شعب بانک صادرات، اداره بیمه‌های اجتماعی و اداره دارایی^{۳۴} را به آتش کشیدند و شیشه‌های چند بانک دیگر را نیز شکستند. این جمعیت پرچم‌های سیاه با خود حمل می‌کردند و علیه رژیم شعار می‌دادند. در این تظاهرات ۵ نفر هدف گلوله مأموران قرار گرفتند که یک نفر از آنان به شهادت رسید.^{۳۵} اداره دادگستری نیز به آتش کشیده شد که به نظر می‌رسد اقدام مشکوکی بود.^{۳۶} رادیو لندن در این روز با بیان مطالبی در مورد حوادث ایران گفت:

آشوب در ۱۳ شهر رخ داد و شورشیان در چندین شهر از جمله زنجان و دزفول کوشیدند تا ساختمان‌های دولتی را آتش بزنند.^{۳۷} بیشتر کشته‌شدگان در چند روز آغازین آبان ماه مربوط به شهرهای دزفول، کرمانشاه و شهرضای اصفهان است.^{۳۸}

خبرگزاری فرانسه نیز اعلام کرد ده‌ها هزار نفر مخالفان رژیم در شهرهای اهواز، دزفول، زنجان و رضائیه دست به تظاهرات زدند. بیلان کشته‌شدگان مشخص نیست.^{۳۹}

با نزدیک شدن به ماه محرم، هر روز که از تظاهرات می‌گذشت، تجربه و قدرت نظامی مردم جهت مقابله با رژیم افزایش پیدا می‌کرد. گزارش مورخ ۱۳۵۷/۸/۱۷ استانداری خوزستان به

وزارت کشور حاکی از مبارزه مردم دزفول با مأموران مسلح رژیم است.^{۴۱} با روی کار آمدن دولت از هاری و تشکیل کابینه نظامی، فشار رژیم و استقرار حکومت نظامی در شهرها شدت پیدا کرد، اما از نظر روانی توانایی رژیم رفته رفته در حال نقصان بود. از ۱۵ تا ۳۰ آبان تظاهرات در دزفول هر شب ادامه داشت. سردار غلامعلی رشید جانشین ستاد کل نیروهای مسلح در این مورد می‌گوید:

با اوج گرفتن تظاهرات دزفول در سال ۱۳۵۷، شب‌ها می‌نشستیم و برنامه‌ریزی می‌کردیم که تظاهرات از کجا شروع شود، در کجا خاتمه پیدا کند و چه نوع پلاکاردهایی داشته باشیم. به طور کلی امور مربوط به سازماندهی و کنترل تظاهرات را انجام می‌دادیم. تظاهرات مردم دزفول عمدتاً از مسجد بازار (مسجد آیت‌الله قاضی) شروع می‌شد و به سمت مسجد جامع و فلکه و بعد در مسیر خیابان سیروس [طالقانی] و خیابان آفرینش (محل ساختمان ساواک) و چهارراه سی متری [شریعتی] امتداد پیدا کرده و به پل جدید ختم می‌شد. در این مسیرها نیروهای نظامی و انتظامی با گاز اشک‌آور و تیر هوایی یا تیراندازی زمینی به تظاهرکنندگان حمله می‌کردند که در این درگیری‌ها تعدادی از مردم شهید یا مجروح می‌شدند.^{۴۲}

در چهارم آذرماه ۱۳۵۷ مردم دزفول مراسم چهلم شهدای ۲۴ مهر را در مسجد اباذر برگزار کردند. در این مراسم که جمع کثیری از مردم شرکت داشتند، حجت‌الاسلام رضا گل‌سرخ‌چی^{۴۳} سخنرانی کرده و ضمن تجلیل از مقام شهدای این واقعه جنایت مأموران رژیم را محکوم کرد. در پایان این سخنرانی مردم تظاهرات کردند. در این تظاهرات مأموران نظامی به مردم شلیک کردند و یک نفر به شهادت رسید.^{۴۴}

۱۹۰

نتیجه

از واقعه ۲۴ مهر ۱۳۵۷ دزفول به عنوان نقطه عطفی در تاریخ مبارزات مردم دزفول می‌توان یاد کرد چرا که مردم بعد از این جریان بیشتر آماده مبارزه شدند و حضور پرشور آنها در تظاهرات نشان از پیوستن اقشار مختلف به درگیری با رژیم شاه داشت. بعد از این واقعه، شاخه نظامی انقلاب، مسلح به سلاح گرم شد و با درست کردن بمب‌های دستی به مقابله نظامی با نیروهای مسلح رژیم پرداخته، اقدام به ترور برخی از مأموران رژیم از جمله استوار فرخ‌شاهی نمود و از این زمان شهر دزفول برای سکونت نظامیان، مأموران ساواک و شهربانی ناامن شد، ادارات امنیتی و انتظامی به آن طرف پل در کنار پادگان منتقل شده و درجه‌داران و مأموران ساواک شهر نیز در منازل سازمانی پادگان اقامت کردند و متعاقب آن جوانان مبارز، شبها از شهر محافظت کرده و امنیت آن را به عهده گرفتند.

پانوشتها

- ۱- صحیفه نور، ج ۳، تهران، مؤسسه تدوین و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۷۸، ص ۴۳۴.
- ۲- «روزشمار انقلاب اسلامی در دزفول»، هفته‌نامه دزفول فردا، س ۱، ش ۵، بهمن ۱۳۷۴.
- ۳- شهید عبدالکریم راجی به جهت صدای خوب و شجاعت زیاد در اغلب تظاهرات شعار می‌داد. وی بعد از پیروزی انقلاب در درگیری یکی از پاسگاه‌های مرزی با دشمن در غرب دزفول به شهادت رسید.
- ۴- حمید جهانی از افراد فعال در زمینه توزیع اعلامیه‌ها در سطح استان بود که بر اساس اسناد ساواک چند مرتبه نیز دستگیر شده بود.
- ۵- یکی از اتهامات سرتیپ اکبر غفاریان فرمانده پادگان دزفول صدور دستور سرکوب تظاهرکنندگان با تمام قدرت و دستور شلیک به مردم بود. نقل از دادگاه انقلاب اسلامی شهرستان دزفول، پرونده شماره ۹/۲.
- ۶- مجموعه مصاحبه‌های نگارنده با فعالان انقلاب در دزفول، مصاحبه با دکتر حمید خاکسار، جلسه اول، نوار دوم، تهران، مورخ ۸۷/۲/۳.
- ۷- علی همایون‌پور متولد سال ۱۳۰۱ بود و علاقه زیادی به خدمت در مساجد و جلسات قرآن داشت. تا جایی که دوستانش به وی لقب عابد دادند. بعد از سال ۱۳۴۲ سرپرستی انجمن اسلامی دانش‌آموزان مدرسه صاحب‌الزمان را به عهده گرفت و در زمینه قرائت قرآن، نهج‌البلاغه و احکام فعالیت داشت و به همین دلیل مرتباً مورد اذیت و آزار مأموران ساواک بود. نقل از: مدیریت بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان دزفول، واحد فرهنگی.
- ۸- مأمورین قصد داشتند جنازه شهید بوستانی را از مردم بگیرند که غائله را تمام کنند اما مردم مقاومت کرده و نگذاشتند جنازه شهید را ببرند. «روزشمار انقلاب اسلامی در دزفول»، هفته‌نامه دزفول فردا، همان.
- ۹- دادگاه انقلاب شهرستان دزفول، پرونده ش ۲۶/۵۸.
- ۱۰- هفته‌نامه دزفول فردا، همان.
- ۱۱- روزشمار انقلاب اسلامی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی - حوزه هنری، ۱۳۷۶، ج ۶، صص ۱۲۷-۱۲۶.
- ۱۲- سند ش ۱.
- ۱۳- سند ش ۲.
- ۱۴- جعفر شریف‌امامی در شهریور ۱۳۵۷ برای دومین بار به عنوان نخست‌وزیر انتخاب شد. پس از به قدرت رسیدن به منظور کاستن از تشنج‌ها جامعه، دولت خود را «دولت آشتی ملی» نام نهاد و در این راستا دست به اقداماتی از جمله تغییر تاریخ شاهنشاهی به تاریخ هجری شمسی، تعطیل کارینوها و قمارخانه‌ها، آزادی فعالیت احزاب سیاسی در کشور، انحلال حزب دولتی رستاخیز، اجازه فعالیت به جراید تعطیل شده و آزادی تعدادی از زندانیان سیاسی نمود. اما این اقدامات نتیجه نداد و وی مجبور به اعلام حکومت نظامی در تهران و ۱۱ شهر دیگر گردید که پی آمد آن واقعه ۱۷ شهریور میدان ژاله تهران بود. (دولتهای ایران از میرزانشیرالله‌خان مشیرالدوله تا میرحسین موسوی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۸۶).
- ۱۵- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب سیزدهم، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، تهران، ۱۳۸۲، صص ۴۹۷-۴۹۶.
- ۱۶- فراهایی از تاریخ انقلاب به روایت اسناد ساواک و آمریکا، تهران، روابط عمومی وزارت اطلاعات، ۱۳۶۸، صص ۱۷۱-۱۷۲.
- ۱۷- بولتن خبرگزاری پارس تعداد تظاهرکنندگان را ۲۰ هزار نفر اعلام کرده بود.
- ۱۸- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب سیزدهم، صص ۵۲۸-۵۲۷.
- ۱۹- حجت‌الاسلام سیدمصطفی فارغ دزفولی در سال ۱۳۱۱ در دزفول متولد شد. وی فرزند آیت‌الله سیدحسین فارغ دزفولی است. وی دوران ابتدایی تا مقطع دبیرم را با شرکت در امتحانات متفرقه سپری نمود. سپس دروس حوزوی را در محضر مراجع عالیقدر دزفول همچون مرحوم آیت‌الله نبوی، آیت‌الله شیخ‌محمدعلی معزی، آیت‌الله شیخ‌منصور سبط‌الشیخ انصاری تلمذ نمود و سپس در قم از محضر درس آیت‌الله بروجردی و آیت‌الله گلپایگانی و درس اصول حضرت امام (ره) بهره برد. در دوران مبارزه با جسارت و شجاعتی کم‌نظیر در تظاهرات و ایراد سخنرانی در مراسم ختم شهدا، فشارهای فراوانی را از طرف مأموران رژیم تحمل نمود. بعد از پیروزی انقلاب به عنوان نماینده حضرت

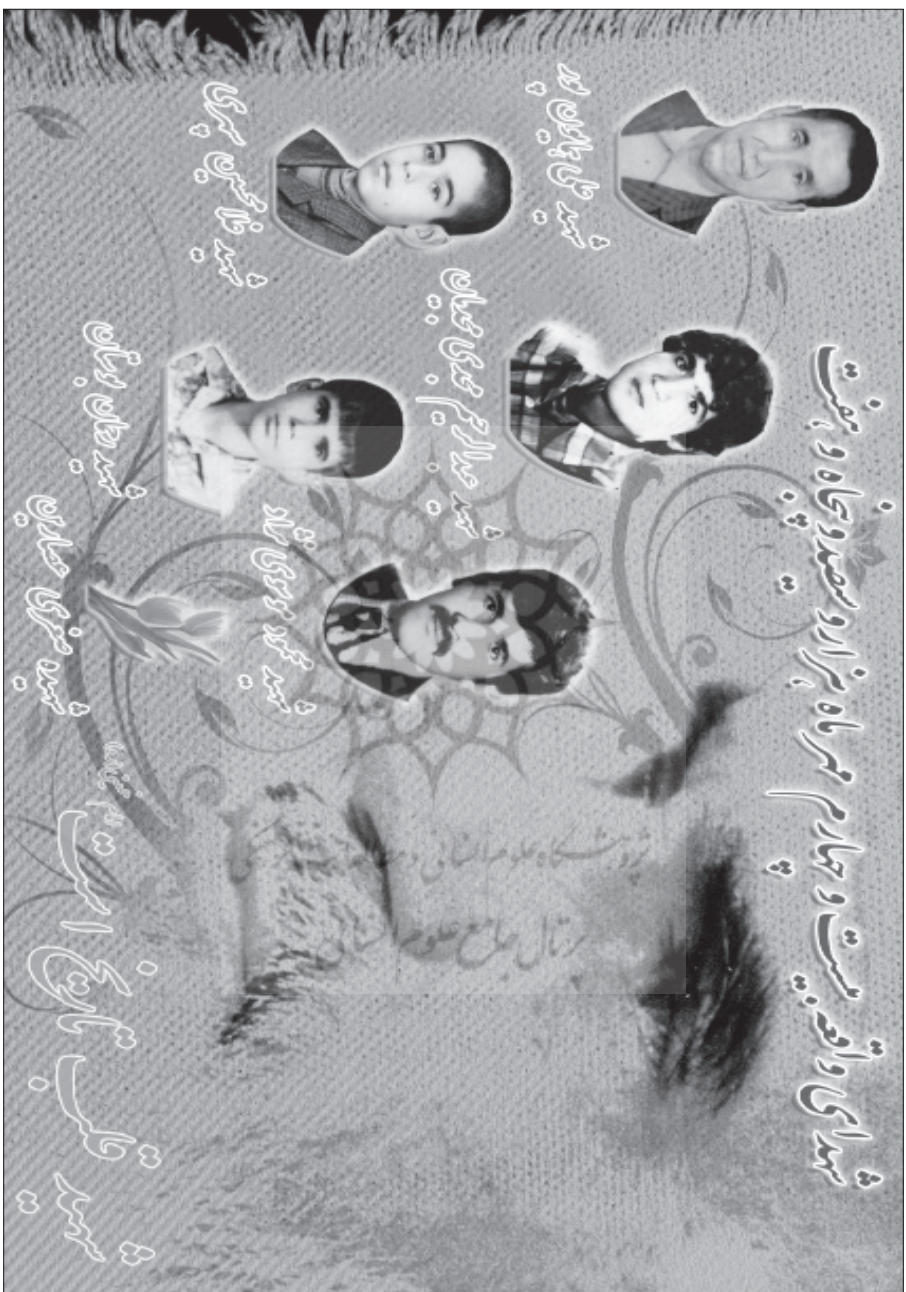
- امام در شهرداری دزفول منصوب شد. سپس در دوره دوم و سوم مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده مردم دزفول انتخاب شد و پس از مدتی ریاست هلال احمر دزفول و مدتی نیز ریاست بنیاد پانزده خرداد شهرستان دزفول را به عهده داشت. در حال حاضر در «مدرسه علمیه سادات دزفول» به تدریس مشغول می‌باشد. (عرب، محمدحسن و احمد لطیف‌پور، اندیشمندان دزفول، صص ۱۳۶-۱۳۴).
- ۲۰- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب سیزدهم، صص ۵۷۳-۵۷۲.
- ۲۱- روزشمار انقلاب اسلامی، همان.
- ۲۲- همان، ص ۳۸۴.
- ۲۳- روزنامه اطلاعات، پنج‌شنبه ۴ آبان ۱۳۵۷.
- ۲۴- روزنامه اطلاعات، شنبه ۶ آبان ۱۳۵۷.
- ۲۵- بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی، آرشیو خاطرات حجت‌الاسلام علی‌اکبر رضوانی.
- ۲۶- دقت بالا و تجربه جوانان انقلابی و سازمان‌دهنده این‌گونه تظاهرات در دعوت از روحانیون جهت سخنرانی‌های مذهبی و مراعات مسائل محرمانه در برنامه‌ریزی‌ها باعث شده بود که مأموران ساواک حاضر در این مراسم نتوانند سخنران را بشناسند. به طوری که در یک گزارش وی را شیخ‌احمد نظری و در گزارش دیگر مکارم درج کرده‌اند.
- ۲۷- آرشیو مرکز اسناد انقلاب اسلامی، سند شمه ۲۰۰۶۸.
- ۲۸- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب سیزدهم، ص ۶۱۸.
- ۲۹- شهید سید محمود موسوی در سال ۱۳۵۶ در حالی که اعلامیه پخش می‌کرد توسط ساواک دستگیر و مدتی تحت شکنجه‌های ساواک قرار گرفت. وی در تظاهرات دانش‌آموزان و فرهنگیان در ۱۵ مهر ۱۳۵۷ نیز حضور چشمگیری داشت. نقل از: مدیریت بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان دزفول، همان.
- ۳۰- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب چهاردهم، ص ۶۸.
- ۳۱- استوار فرخ‌شاهی در دی ماه ۱۳۵۷ توسط گروه منصورون ترور شد.
- ۳۲- مدیریت بنیاد شهید و امور ایثارگران دزفول، همان.
- ۳۳- مصاحبه با دکتر حمید خاکسار، جلسه اول، نوار دوم، همان.
- ۳۴- بر اساس اسناد موجود، اداره دارایی در روز پنجم آبان به آتش کشیده شد. نک: سند شمه ۳.
- ۳۵- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۷، همان، ص ۹۹.
- ۳۶- بر اساس اعلامیه‌ای که توسط جامعه فرهنگیان دزفول چاپ و توزیع شد، این جامعه پشتیبانی خود را از قضات بایمان شهر دزفول که پرونده‌ای جهت مجازات خاطیان وقایع ۲۴ مهر تشکیل داده بودند، اعلام و مراتب انزجار خود را از اقدام خاطیان که برای از بین بردن پرونده مزبور در تاریخ ۵/۸/۵۷ مبادرت به آتش زدن دادگستری نموده بودند، بیان داشتند. (انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب چهاردهم، ص ۶۴۵). اما آنچه مسلم است با توجه به سوابق عوامل رژیم در این گونه اقدامات جهت تخریب انقلابیون نزد مردم و بر اساس شواهد موجود به خصوص در مورد پرونده تشکیل شده در دادگاه؛ نظر جامعه فرهنگیان دزفول در مورد آتش زدن دادگستری تقویت می‌گردد.
- ۳۷- سیر مبارزات امام خمینی (ره) در آیین اسناد به روایت اسناد، ج ۲، تهران، تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ۱۳۸۲، ص ۳۶۵.
- ۳۸- روزشمار انقلاب اسلامی، ج ۷، ص ۱۹۹.
- ۳۹- سیر مبارزات امام خمینی (ره) در آیین اسناد به روایت ساواک، ج ۲۱، ص ۳۶۵.
- ۴۰- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، کتاب سیزدهم، ص ۱۰۰.
- ۴۱- مصاحبه با غلامعلی رشید از فعالان انقلاب در دزفول، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، جلسه چهارم، شمه‌بازیابی ۲۰۰۸، مورخ ۸۵/۹/۲۳.
- ۴۲- حاج شیخ رضا گلسترخی کاشانی در سال ۱۳۱۲ در شهر کاشان دیده به جهان گشوده و دروس ابتدایی و متوسطه را در آن شهر آموخت. و آنگاه به تحصیل علوم اسلامی پرداخت و وارد حوزه علمیه قم شد. او از همان زمان که طلبه جوانی بود تحت تأثیر برخی از روحانیون برجسته، انسانی پرشور پرورش یافت و همین روحیه پرشور او را با فدائیان اسلام و آرمانهای شهید سیدمجتبی نواب صفوی پیوند داد و در سن جوانی به عضویت این جمعیت درآمد. پس از شهادت

دزفول: ۲۴ مهر ۱۳۵۷

نواب صفوی به زندگی مخفی روی آورد و پس از مدتی در حوزه علمیه قم به تحصیل پرداخت. او در دوران رژیم پهلوی بارها به زندان و تبعید محکوم گردید. سخنرانی‌های انقلابی او در جریان قیام ۱۵ خرداد و در دوران پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت. پس از پیروزی انقلاب اسلامی در شبه جزیره هندوستان و برخی کشورهای دیگر به فعالیتهای فرهنگی روی آورد و سفرهای تبلیغی متعددی انجام داد. در جریان جنگ تحمیلی نیز در جبهه‌های غرب و جنوب فعالیتهای پیگیری برای رفع نیازهای فرهنگی و تدارکاتی جبهه داشت. سرانجام پس از یک دوره کوتاه بیماری در روز ۲۲ مهر ۱۳۶۹ به دیار باقی شتافت. نقل از قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، ج ۲، تهران: مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۷۸، صص ۲۸ و ۲۹.

۴۳- «روزشمار انقلاب اسلامی در دزفول»، هفته‌نامه دزفول فردا، همان.





ریاست معظم مجلس شورای ملی

احتراما "خواهشمنداست بدولت اعلام فرمایند در مجلس حاضر و بسؤال زیر که مربوط به کنتار و به آتش کشیدن شهرهای دزفول و اندیشک در روز دوشنبه ۲۴ مهرماه ۱۳۵۷ میباشد پاسخ گویند .

جناب آقای نخست وزیر کنتار و زخمی شدن عده ای از همشهریانم در شهر دزفول و اندیشک شهر را در یک غم خدائی و ماتی جانگداز فرو برده . مردم از جنابعالی توقع ندارند که انکسی بر مزار عزیزان شان بریزند یا سرشک غم از رخشان پاک کنید من ~~تقاضای~~ ~~میکند~~ از جنابعالی میخواهم که کاری کنید که از دلشان خون نیاید چون جایزه شهرستان دزفول احتیاج به مسکن ندارد احتیاج به درمان و جراحی دارد . از بیست روز قبل از واقعه دوشنبه ۲۴ مهر ماه چند تلگراف از مردم دزفول به عنوان جنابعالی و وزیر کشاورزی مخابره شد . شما "چند نوبت با آقای شفیع فرماندار دزفول تماس گرفتم و ایشان با تدبیر خاص در مدت یک هفته که اجتماعتی میشد از هر نوع خشونت جلوگیری کردند در آخرین روزها برای کبریت زدن باین ابار باروت عوامل فرصت طلب رهسپار دزفول شدند .

اوضاع هر لحظه وخیم تر میشد ولی مسئولان کوچکترین اقدامی برای آرامش و تسکین مردم انجام ندادند و حتی در چنین لحظاتی از طرف یک سازمان دولتی در شوش شروع به آزار مردم نمودند من جریان را با جناب آقای دکتر بزدا بنیاد وزیر مشاور در این مورد در میان گذاشتم و وضع انفجار آمیز شهرستان دزفول را با اطلاع ایشان در مجلس رساندم البته ایشان محبت فرمودند و همان روز در ساعت ۳ بعد از ظهر تلفنی اطلاع دادند که بآن سازمان اطلاع داده است که از فشار و زورگویی خودداری و به تهران مراجعت فرمایند .

ولی فرصت طلبان دزفول و اندیشک را منفرج کردند چرا برگردیم به ده سال پیش در حکومت خودکامه دوران احتیاق آنگاه بون ایران آقای روحانی بنا بر همان مسائل اعلام جرم قسمت عمده آراضی کشاورزان را مصادره و آزادی را از کشاورزان سلب نمودند .

سند شماره ۱ (صفحه اول)

منبع: مرکز اسناد و کتابخانه مجلس شورای اسلامی، سند شماره ۶۰۰۶۵

آن به مساحت چندین هکتار و پیشروان آن خانه و باغی گردیده‌اند از اصفاف - وزارت کشاورزی
 وزارت جنگ و وزارت معالیکی - ثبت و اسناد و کازمانت وزارت معالیکی - اعتبارات کلیدی
 تا با اصفاف اناری اصفاف - قطعی و غیرقطعی استند استند استند و پیشروان آن را می‌گویند
 علاوه بر خدمت و خدمت یک با ثبت و اسناد و پیشروان آن را می‌گویند -
 ای باغی که وزارت کشاورزی به امور تاریخی و کازمانت کازمانت است نه مردم -

و تا با اصفاف به سرانجام تاریخی سرانجام ثبت - تا مردم از مردم و سایر امور
 و تا با اصفاف به سرانجام تاریخی سرانجام ثبت - تا مردم از مردم و سایر امور
 و تا با اصفاف به سرانجام تاریخی سرانجام ثبت - تا مردم از مردم و سایر امور

و تا با اصفاف به سرانجام تاریخی سرانجام ثبت - تا مردم از مردم و سایر امور
 و تا با اصفاف به سرانجام تاریخی سرانجام ثبت - تا مردم از مردم و سایر امور
 و تا با اصفاف به سرانجام تاریخی سرانجام ثبت - تا مردم از مردم و سایر امور

با تقدیم احترام - کرم آنحضرت به بنده حسن بنعلی بنعلی
 روح بنعلی بنعلی بنعلی
 روح بنعلی بنعلی بنعلی

فلسف آری کشاورزی برای هرکس کند مردم خدمت‌دهندگان برای هرکس کشاورزی
 مردم در ۱۳۴۰ درین احوال تا این که این خانه با اصفاف مردم کشاورزی را می
 کشاورزان در اول وقت -


سند وزارت جنگ و پیشروان شهر را به پیشروان اصفاف و اصفاف است و این احوال
 اصفاف را در این احوال مردم هم کشاورزی کرده برای اصفاف و اصفاف مردم هم گویند
 در اول اصفاف همه مردم جنب سینه‌فروشانی نام وزارت جنگ و پیشروان دولت
 بر روی امور اصفاف است به کشاورزی را با هر باغی حتی با اصفاف مردم کشاورزان
 مردم اصفافی برای کشاورزان را با اصفاف همه است که در این باره مردم کشاورزان اصفاف

فلسف دیگر که در پیش وقت -
 فلان را در این همه کاری اصفافی مردم در این احوال کشاورزی و اصفاف اصفاف
 اداره کشاورزی بر اصفافی را می‌گویند و در اصفافی کشاورزی را اصفافی در اصفافی کشاورزی
 فلان می جد کشاورزان به اصفافی مردم در اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی
 کشاورزی کشاورزان و کشاورزان را اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی

با یک مردم صورت کشاورزان اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی که مردم
 مشکلات را اصفافی مردم کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی
 کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی
 کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی

در این احوال مردم کشاورزی را اصفافی کشاورزی که مردم
 با یک مردم صورت کشاورزان اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی که مردم
 مشکلات را اصفافی مردم کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی

با یک مردم صورت کشاورزان اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی که مردم
 مشکلات را اصفافی مردم کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی
 کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی را اصفافی کشاورزی مردم در اصفافی کشاورزی


وزارت کشور

تاریخ _____ ۱۳۵
شماره _____
پیوست _____

آقایان سید رضا حاجتی و کریم آصف نمایندگان محترم مجلس شورای ملی درباره وقایع روز دوشنبه ۱۳۵۷/۷/۲۴ دزفول و اندیشک از دولت سؤال نموده اند که شرح زیر پاسخ داده شود :

از اوایل سال گذشته عده ای با سخنرانی های تحریک آمیز و بخش اعلامیه های مضره و پراکندن شایعات بی اساس موجب گردیدند که عده ای سا لوج تحت تأثیر قرار گرفته ضمن تظاهرات خشونت آمیزی اقدامات خرابکارانه از قبیل آتش سوزی ، شکستن شیشه ها و تخریب اماکن عمومی ، بوسیله سنگ ، چوب ، چاقو و حتی اسلحه جنگی و شکاری به ما مورین انتظامی نیز حمله کنند که در تمام مراحل ما مورین انتظامی با بردباری و متانت و بهر حسب وظایف سر بازی خود برای حفظ جان و مال مردم ابتدا با روشهای مسالمت آمیز از قبیل اخطار با بلندگو ، استفاده از ماشین آب پاش ، پخش گاز اشک آور سعی در رفع اغتشاشات نموده اند ولی چون این اقدامات به نتیجه نرسیده بر طبق قانون به استعمال اسلحه و تیراندازی متوسل شده اند . در جریان وقایع روز دوشنبه بیست و چهارم مهرماه در شهرهای دزفول و اندیشک نیز ما مورین انتظامی با صبر و شکیبائی تمام با استفاده از همین روشها انجام وظیفه نموده اند بر طبق گزارش شماره ۲۰۶ - ۲۵۲۴ مورخ ۵۷/۸/۹ شهر یانی کشور شاهنشاهی در این جریانات در شهر دزفول ۲ نفر و در اندیشک یک نفر کشته شده اند و بدیهی است چنانچه ما مورین انتظامی بموقع اقدامات لازم را بعمل نیاوردند لطمات و خسارات جبران ناپذیری وارد میشد .

رتال جامع علوم انسانی



وزارت کشور
دقروزی

۱۶۶۵۳/۱۴/۲۴

۱۳۵۷/۹/۲۷

جناب آقای احمد ناظمی
وزیر مشاور و د ر امور پارلمانی

عطف به نامه های شماره ۶۲۸۴۰ مورخ ۱۳۵۷/۸/۲ و
۶۳۶۴۸ مورخ ۱۳۵۷/۸/۱۱ منضم به فتوکیس سئالات -
آقایان سید رضا حجتی و کریم آصف نمایندگان مجلس
شورای ملی راجع به وقایع روز دوشنبه ۱۳۵۷/۷/۲۴ شهرها
د زفول و اندیمشك اینك متن پاسخی كه بعلت مشابهنه
سئوال نمایندگان مزبور بطور مشترك تهیه گردیده جهت
طرح در هیئت وزیران به پیوست ارسال میشود .

از تشبده عباس قره باغی
وزیر کشور

پرویشگاه علوم انسانی
رتال جامع علوم انسانی

پانچ نوال ۱۵ سپتامبر ۱۹۷۸
۱۶۶۵۳/۱۴/۲۴



وزارت کشور

۵۱۱۹۰۷
۵۱۹۰۷

نخست وزیر

پیرونامه شماره ۲/۱۰۵۱۳ - ۵۷/۸/۱۰ در مورد
تلگرام مورخ ۵۷/۷/۲۹ عده ای از اهالی دزفول
عنوان کمیسیون عرایض مجلس شورای ملی که رونوشت به
وزارت کشور نیز مخابره شده بود . موضوع از طریق
شهربانی کشور شاهنشاهی تحقیق و بررسی شد اینک
فتوکی پاسخ واصله بشماره ۲۰۶ - ۲۰۲۴ مورخ
۵۷/۸/۲۷ جهت استحضار پیوست ارفاد میگردد که
در صورت اقتضا به کمیسیون عرایض منعکس فرمایند .

۱۹۹

مدیرکل دفتر حقوقی و پارلمانی

شاپور عبد الوند

تبریز
۱۳۵۷

رئیس هیئت مدیره
۹/۱۴

بهرزاد

۵۷/۹/۲۴

۱۳۵۷/۹/۱۸
۵۷/۹/۱۵

مختصات مطالعات تاریخ

شماره ۱۰۹
محرمانه
۱۳۵۷ / ۸ / ۲۷
تاریخ

شماره ...
تاریخ ...

وزارت کشور
شهریاتی کشور شاهنشاهی بیوست
رهن

موضوع: تظاهرات روز ۲/۷/۱۳۵۷ در زفول

از شهرداری کشور شاهنشاهی - اداره اطلاعات
به هیئت اوتشد وزیر محترم کشور

بازگشت بشماره ۱۰۵۱۳ / ۲ - ۱۳۵۷ / ۸ / ۱۰

ساعت ۰۹۰۰ روز ۲ / ۷ / ۱۳۵۷ عده ای از فرهنگیان و دانش آموزان مدارس در زفول و حومه در دستجات ۲ هزار نفری با در دست داشتن چوب ، سنگ ، میله آهنی ، شعارهای پارچه ای در خیابانهای قدیمی شهر اقدام به تظاهرات نموده و با بلند کردن شعارهای مضروب داده و در چند شعبه بانک ، یک دستگاه اتوبوس اداره آموزش پرورش ، ۸ دستگاه اتوبوس که مقابل ساواک متوقف بوده و پناه های برق کیوسکهای تلفن ، چند اصله درخت تعدادی لاستیک کهنه اتوبوس حریق ایجاد و به ساختمان فرمانداری و تئاترگاه شهرداری آن شهر حمله نمودند ماموران شهرداری با کمک نیروهای ارتش ، با استفاده از روش کنترل اشتیاقات و گاز اشک آور نسبت به متفرق کردن آنها اقدام لیکن تظاهر کنندگان با طرف ساختمان شهرداری حمله و تیراندازی نموده اند که در نتیجه یکی از ماموران شهرداری بنام سر پاسان عبدالحسین مختاری مجروح و به بیمارستان اعزام شده است . مطالعات فرنگی

ماموران انتظامی بنسب متفرق کردن اغلالگران ناگزیر به تیراندازی شده اند که در نتیجه در نفرات ۱۱۰۰ حرکت کنندگان کشته و زخمی به جایگاه اشتن ۴ دستگاه بلند گو بعد دهلکار در پارچه ای تعدادی اعلامیه مضروب ، متاری گردیده اند .

رئیس شهرداری کشور شاهنشاهی - شهید عبد پاسان مختاری
دولت تعلقه لود با توجه به
و ستاد ارتش و وزارت کشور
شماره ۱۱۹۰۷
۱۳۵۷ / ۸ / ۲۷

محرمانه

شماره ۳

وزارت امور اقتصادی و دارایی

محرمانه

جناب آقای نوری

رہاست سازمان اطلاعات و امنیت اهواز

شماره: ۲۳۱۳
تاریخ: ۲۴ مهر ۱۳۵۷
پوست: دار

محرمانه

باستحضار میرساند: طبق اطلاع تلفنی ساعت ۶ بعد از ظهر روز ۵/۸/۵۷ رئیس اداره امور اقتصادی و دارایی شهرستان دزفول در ساعت ۹/۵ صبح روز فوق عسده کثیری در شهرستان دزفول اظهارات نموده و اداره مزبور نیز مانند سایر موسسات عمومی مورد تهاجم و آتش سوزی قرار گرفته است. اینجانب روز ۶/۸/۵۷ به محل مراجعہ و پس از بازدید مشاهده گردید اکثر اطاقها و اسناد و مدارک و اموال آنها سوخته و از بین رفته و تنها مخزن اوراق بهادار و پروندههای مالیاتی چند حوزه سالم مانده است لذا بنظر حفظ و حراست پروندهها و اموال دولتی موجود و مکاتبات و اقدامات لازم بعمل آید که نتایج آنها به پیوست ارسال میگردد.

ضمناً پروندههای مالیاتی و اوراق بهادار مورد بحث وسیله رئیس اداره امور اقتصادی و دارایی دزفول و مسئولین مربوطه به اداره کل در اهواز منتقل و در محل مناسبی قرار داده شد. تا پس از تهیه محل جهت اداره مذکور با ضمیر محل قبلی تجدید احیاء شود خواهشمند است دستور فرمایند مراتب را به ساواک استان بجهت استحضار اعلام نمایند.

رتال جامع علوم انسانی

سیامک گنجی

مدیر کل امور اقتصادی و دارایی خوزستان

انستدراج
آر. ۱۳
شهرستان دزفول
۶/۸/۵۷

۲۰۱

سند شماره ۳

منبع: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، پرونده شماره ۲۰۰۶۸